God will help me to become successful

* By a stream: کنار نهر – رود
* Bond with each other
* Lay down strict rules
* The rules laid by the government
* Then I happened to watch a TV series: بعدا اتفاقی یک سریال تلویزیونی تماشا کردم.
* Impetus: انگیزه
* Disgusted: منزجر، متنفر
* It would give nausea to someone.
* It makes me feel disgusted
* Idolize: بت ساختن ، دوست داشتن
* Internet surfing: جستجو در اینترنت
* Sedentary live: زندگی بی تحرک
* Multi-specialty hospital: بیمارستان چند تخصصی
* Ailments: بیماری ها
* In the habit of checking the weather forecast: عادت به چک کردن پیش بینی اب و هوا
* Go up: بالا رفتن، افزایش داشتن
* Abide by the law in the name of God: به نام خدا از قانون پیروی کنید
* Abide by the law: رعایت قانون
* Law implementation
* Solitude: تنهایی
* It has been well said that: به خوبی گفته شده است که
* Mindful: متفکر
* Inquisitive
* Sb. get transferred to
* Coincidently
* Vanish <-> disappeared
* Awe: ترساندن
* Volleyball court: زمین بازی والیبال
* Overhead expenses: هزینه های سربار
* Taking the financial burden off their parents` shoulder: برداشتن بار مالی از روی دوش والدین
* I am in dire need of money: نیاز وخیم به پول دارم
* Racism: نژادپرستی
* Lithe and agile: لاغر اندام و چابک
* Greet: سلام و احوال پرسی کردم
* We live in a time where 🡪 برای لغت time از where استفاده کرده است
* Cram: چپاندن ، پر کردن
* Show off: پز دادن، خودنمایی کردن
* Tremendously: ترسناکانه، زیاد
* Excavate: حفاری کردن
* Upkeep: نگهداری کردن، مرمت
* Fall into vice: به گناه افتادن
* Monetary: پولی، مالی
* Monetarily: به صورت مالی
* I am a kind of person who usually does not like to complain a lot.
* you’re not sure of the answer
* after a long wait of five day: بعد از یک انتظار طولانی 5 روزه
* lure: وسوسه کردن
* Glamorize: فریب دادن، طلسم کردن
* illicit: قاچاق
* Concrete evidence
* Seize the opportunity
* Racing against time/clock
* Building trust: making a reliable relationship
* Hit the road
* Flood of letters
* Steer clear of amir: از امیر دوری کن
* As far as enforcement goes: تا انجا که اجرا پیش می رود
* As far as I know: تا انجا که من می دانم
* Becoming interesting
* Not necessity
* If you don`t mind: اگر مشکلی ندارید
* Make your presence know:
* Be in a relationship
* Put in place: در جای خود قرار دادن
* Just a name but a few
* Of the first water: بهترین
* In a very first place: در وهله اول
* Make it in reality
* Safe to say
* Back in the day that: در ان روز که
* Decentralization: تمرکززدایی
* Doingness: عمل
* Shaping Tehran of tomorrow: شکل دادن اینده تهران
* Compulsory military service: خدمت نظامی اجباری
* Is it free to get naked here?
* Generally speaking
* make point with
* Frame: قالب کردن، طرح کردن، بیان کردن
* Food on the table
* Manipulate: دستکاری کردن
* Mind in your own business: سرت به کارت باشه
* Nether of them: هیچ کدام از انها
* That is big deal: این اقدام بزرگی است
* chances are there will be if: احتمال وجود خواهد داشت اگر
* virtuous circle:
* mend: رفو کردن، تعمیر کردن لباس
* Intimidate: مرعوب کردن ، ترساندن
* Profile: نیم رخ، شرح حال، شکل دادن
* Horrendous: دهشتناک
* Subcontinent: شبه قاره
* Serialize: مرتب کردن
* Crude plan: طرح خام، طرح ناپخته
* Stark: کامل، رک و سرراست
* Perpetual: رایج، مرسوم
* Peculiar: ابدی، همیشگی
* Anonymity: ناشناس
* Vie: رقابت کردن، هم چشمی کردن
* Mending
* 3clothes: وصله کردن، رفو کردن لباس